
عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر گرایش به مهاجرت دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز

سوسن سهامی^۱ کریم فتحی^۲

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان تحصیلات تکمیلی به مهاجرت از کشور می باشد. نمونه مورد مطالعه در این تحقیق شامل ۱۲۰ نفر از دانشجویان ۳۵-۲۵ ساله کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز است که بصورت تصادفی ساده انتخاب شده اند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته است که از روایی و پایایی مناسب برخوردار است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمونهای آماری رگرسیون و ضریب همبستگی انجام گردید. یافته های تحقیق نشان می دهد که عامل کششی کشور مقصد (فرصت اشتغال، انگیزه پیشرفت، رفاه کشور مقصد، فرصت های علمی کشور مقصد) با تمایل به مهاجرت از کشور رابطه معنی داری وجود دارد. عامل رانش کشور مبدا (بیکاری و دستمزد پایین، تبعیض و بی عدالتی ادراک شده) باعث تمایل به مهاجرت از کشور می شود. ضمن آنکه انگیزه پیشرفت یکی از پیش بینی کننده های معنی دار تمایل به مهاجرت است. بین عوامل رانشی، بیکاری تحصیل کرده ها و تبعیض و بی عدالتی ادراک شده پیش بینی کننده های معنی دار تمایل به مهاجرت است. اما عوامل حفاظت کننده (تعلق به وطن و گرایش مذهبی) با تمایل به مهاجرت رابطه معنی داری وجود ندارد.

^۱ گروه جامعه شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

واژه های کلیدی : تمایل به مهاجرت ، عامل کششی ، عامل رانش ، عوامل حفاظت کننده.

Socio-economic factors On Student Migration Tendency In Master's Degree In Shiraz University

Sousan Sahami¹ Karim Fathi²

The purpose of this study is to investigate the factors affecting the student's tendency to immigrate from the country. The sample of this study consists of ۱۲۰ students of ۲۵-۲۵ years old students of Shiraz University. They were randomly selected. Data were collected using a questionnaire. The data were analyzed using regression analysis, correlation coefficient. Findings of the research show that there is a significant relationship between the pull factor in the destination country (employment opportunity, the motivation for progress, the welfare of the destination country, the welfare of the destination country, the country's scientific opportunities) with the desire to immigrate from the country. Push factor of the country of origin (low unemployment and discriminative, discriminatory and perceived injustice). With the desire to emigrate from the country, the motive for progress is one of the most significant predictors of the desire to emigrate. And among the drivers of education, unemployment, and discrimination and perceived injustice are significant predictors of the desire for immigration. But the protective factors (belonging to the homeland and religious orientation) are not significantly related to the desire to immigrate.

Key Words: Socioeconomic factors, migration, master graduate students, Shiraz University

¹ Department of Sociology, Marvdasht Branch , Islamic Azad University, Marvdasht , Iran.

² Social Sciences University of Payame Noor University Summary

مقدمه

دانشگاه در جهان امروز، کارکردی فراتر از آموزش افراد یافته است و توسعه جوامع وابستگی شدیدی به رشد آموزش عالی دارد به طوری که کمیسیون اروپا بیان می کند که سرمایه گذاری در کیفیت دانشگاه ها، سرمایه گذاری مستقیمی در آینده کشور است (بارون، ۲۰۱۱) به نقل از منوریان و همکاران، ۱۳۹۶). بن ابراین مهاجرت نخبگان و نا برابری در سرمایه های انسانی خسارت های غیر قابل جبران را بر کشور های در حال توسعه وارد می کند. در اقتصاد دانش بنیان همه ی بخش های یک جامعه بر پایه دانش بنا شده است و در تمام فرایندهای چنین اقتصادی، دانشگاه ها حضور فعال ی دارند (منوریان و همکاران، ۱۳۹۶). نظریه پردازان مهاجرت همواره بر جاذبه های کشورهای توسعه یافته و محدودیت های کشورهای در حال توسعه به عنوان دو عامل مهم در گرایش نخبگان به مهاجرت توجه می کنند. با توجه به پژوهش های دقیق در حوزه اقتصاد، فرایند جهانی شدن با سهولت در ارتباطات، زمینه ساز مهاجرت نخبگان و فرار مغزها شده است و این فرایند به نوبه خود نابرابری عمیقی را در توسعه و تولید ناخالص ملی بین کشورهای پیشرفت و در حال توسعه ایجاد می کند (میشل و همکاران^۱، ۲۰۰۱؛ مونت فورد و راپوپورت^۲، ۲۰۰۷). بر همین سیاق بررسی علل تمایل نخبگان به خروج از کشور و شناسایی نقش سه دسته عوامل کتشی، رانش و محافظت کننده در گرایش نخبگان به مهاجرت بسیار حائز اهمیت است زیرا هر گونه برنامه ریزی در راستای کاهش یا پیشگیری از این

^۱Beine, Michel & Docquier, Frederic & Rapoport, Hillel

^۲Andrew Mountford & Hillel Rapoport

پدیده نیازمند مطالعات دقیق و شناسایی عوامل موثر بر گرایش نیروی کارآمد و متخصص به مهاجرت است. سوال اصلی پژوهش بر مبنای این نظریه است. بنا براین هدف این مقاله بررسی نقش عوامل رانشی و گرانشی مهاجرت نخبگان در گرایش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه به مهاجرت بوده است

یکی از شاخص های اصلی توسعه همه جانبه و پایدار سرمایه های انسانی کارآمد و متخصص است و مهاجرت نخبگان علمی در طولانی مدت عواقب اقتصادی، اجتماعی و فیزیولوژیکی متعددی را برای یک جامعه در پی دارد؛ کارکردهای آشکار و پنهانی که هر روز این مساله را پیچیده تر می کند. این مساله عوامل بی شماری داشته که اقتصاد جهانی و ظهور اقتصاد مبتنی بر دانش یکی از عوامل مهم ایجاد کننده جذابیت کشورهای توسعه یافته است (شاه آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۵۰). به گزارش خبرگزاری تابناک در مرداد ۹۶ ایران در ۱۰ سال گذشته رتبه ششم در مهاجرت به خارج از کشور را داشته و بین یازده کشور با بیشترین فرار مغزها بوده است. طبق آمار صندوق بین المللی پول، سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر از ایرانیان تحصیل کرده برای خروج از ایران اقدام می کنند که ۷۰ تا ۸۰ درصد آنها تحصیل کرده و متخصص هستند. مساله اصلی یافتن انگیزه های اصلی که شرط لازم برای مهاجرت متخصصان و تحصیل کرده است. در مطالعه بر روی مهاجران دانشجویان ارشد به دلیل داشتن موقعیت مناسب برای مهاجرت و به عنوان مهاجران بلقوه انگیزه مهاجرت بین آنها مورد بررسی قرار گرفته اند. شکل گیری مهاجرت و عوامل مرتبط با آن به عنوان یکی از پدیده های اجتماعی ذهن و اندیشه صاحب نظران بسیاری را به خود معطوف کرده است. امروزه بر خلاف دوران اولیه زندگی بشر، مهاجرت ها تنها با انگیزه

های زیستی و بیولوژیک انجام نمی شوند، بلکه در دنیای معاصر مهاجرت پدیده ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. از این رو این پدیده در رشته های مختلف علوم انسانی و اجتماعی به عنوان موضوعی پایدار و مهم همواره مورد توجه قرار گرفته و هر یک از محققان بنا بر نیاز مطالعاتی و رویکردهای تئوریک خود تعریفی از آن ارائه کرده اند. به عنوان مثال کوتاری مهاجرت را حرکت یک فرد یا گروهی از افراد در امتداد مرزهای سیاسی از یک واحد جغرافیایی به واحد دیگر برای اقامت دائم یا موقت در مکانی غیر از کشور مادر تعریف می کند (کوتاری، ۲۰۰۲: ۱۶).

همچنین انواع مهاجرتها عبارتند از داخلی یا بین المللی، اجباری یا اختیاری، فردی یا گروهی و ... یکی از انواع مهاجرت های بین المللی که در آن کیفیت نیروی مهاجرت کننده نیز دارای اهمیت است مهاجرت نخبگان می باشد (جواهری و سراج زاده، ۱۳۸۴: ۵۸). به عبارت دیگر بین مهاجرت و مهاجرت نخبگان نسبت منطقی عموم و خصوص مطلق وجود دارد بدین معنا که مهاجرت مفهومی عام است که مهاجرت نخبگان یکی از اشکال آن است (آلان و بالاژ، ۲۰۰۵: ۴۴۱). به طور کلی می توان گفت که بعد از جنگهای بین المللی اول و دوم این پدیده شکل پویاتری به خود گرفت و از سال ۱۹۵۰ به بعد بر سرعت مهاجرت روشنفکران به کشورهای مختلف به ویژه ایالات متحده آمریکا افزوده شده است و سال به سال نیز بر میزان مهاجرت افراد با مدارج بالای علمی و دانشگاهی به سوی پیشرفته ترین کشورها افزوده می شود (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۶۵).

در ایران نیز پدیده مهاجرت نخبگان به عنوان یک آسیب اجتماعی از دهه ۱۳۴۰ خورشیدی ظهور کرد و روند آن شامل سه دوره مشخص است:

۱- دهه چهل و پنجاه تا پیروزی انقلاب اسلامی که در نتیجه باز شدن باب مراودات با غرب، سیاستهای اقتصادی و فرهنگی رژیم گذشته، روحیه اشرافی گری وابستگان به دربار، رشد ثروتهای عظیم نفتی و غیره بود.

۲- سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ابتدای جنگ ایران و عراق که به طور عمده طیف ناراضیان از انقلاب اسلامی را شامل می شد و با تعطیل شدن دانشگاهها در دوران انقلاب فرهنگی شدت یافت.

۳- دوره جدید مهاجرت که از سال ۱۳۶۷ آغاز و از سال ۱۳۷۷ به بعد شتاب بیشتری گرفته است (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۱۴۵).

سرمایه انسانی و نیروی ماهر و متخصص مهمترین سرمایه هر کشور محسوب می شود که نیل به توسعه اجتماعی بدون حضور آنها مقدور نخواهد بود. با این حال کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران با بحرانی جدی در زمینه کاهش نیروی انسانی مواجه هستند. مهاجرت متخصصان از مسائل مهم و مشکلات مطرح در کشورهای در حال توسعه است. این نیروها که جامعه مدتهای مدید هزینه های هنگفت تحصیلی شان را تقبل کرده و در راستای نیل به اهدافش به آنها نیاز مبرم دارد، حال که به مرحله بهره برداری و سودرسانی به کشور خود می رسند بار تخصص و مهارتهای خود را برداشته و به کشورهای دیگر مهاجرت کرده، توانایی و کارآمدی خود را در اختیار آنها قرار می دهند. با توجه به آمارهای موجود سالانه هزاران دانش آموخته دانشگاهی از کشور خارج می شوند (خضری، ۱۳۸۰: ۵۵۸). کشورها با مهاجرت نخبگان و نیروی کار ماهر شاهد هدر رفتن هزینه آموزش، تضعیف رشد دانش، کاهش قابلیت جامعه برای کاربرد اندوخته های علمی در جهت حل مسائل و مشکلات، کاهش اندیشه های نو و

خلاقانه ، تضعیف موجودی سرمایه اجتماعی و تنزل توسعه اقتصادی خواهند بود. این در حالی است که آنها هزینه زیادی را برای تربیت نیروی متخصص صرف می کنند(اسماعیلی ، ۱۳۸۲: ۱۴۲).

نظریه های گوناگونی در تبیین چرایی و چگونگی مهاجرت وجود دارد از جمله نظریه اقتصادی که عمدتاً بر اشتغال و دستمزد در منطقه مبدا و مقصد می پردازد و معتقدند مهاجرت به دلیل تفاوت عرضه و تقاضای نیروی کار در دو منطقه جغرافیایی رخ می دهد. نظریه بحران منزلتی، در این نظریه چنانچه از نظر شاخص های عینی این گروه در رفاه نباشند و منزلت واقعی و درخور شان نداشته باشند و نگرش و برداشت عموم نیز چنین باشد فرد نخبه ممکن است تصمیم به مهاجرت بگیرد. نظریه کشش و رانش برای تبیین مهاجرت بر عدم تعادل اجتماعی و اقتصادی میان کشور مبدا و مقصد متمرکز است و تا زمانی که عوامل دافعه در کشور مبدا برقرار است و عوامل جاذبه در کشورهای مقصد روند مهاجرت ادامه دارد. البته گروههای سنی از نوجوانی تا بیست سالگی و اوایل سی سالگی بیش از دیگر گروههای سنی مستعد مهاجرت هستند(لهسایی زاده، ۱۳۸۶؛ جواد زاده، ۱۳۹۴: ۹۶). چارچوب نظری این پژوهش نظریه لی و بندیکت اوکپیر(۲۰۱۴) است طبق نظریه لی چهار دسته عوامل سبب مهاجرت نخبگان می شود در الف- عواملی که با حوزه مبدا ارتباط دارند، ب- عواملی که با حوزه مقصد ارتباط دارند، موانع بازدارنده و عوامل شخصی است(فلاحی و منوریان، ۱۳۸۷). به علاوه بر اساس دیدگاه بندیکت و اوکپیر(۲۰۱۲) در کشور افریقا در مهاجرت نخبگان علمی دو دسته عوامل جاذبه و دافعه در نظر گرفته شده. در این مقاله با توجه به این چارچوب نظری مدل استخراج شده بر سه دسته عوامل

متمرکز است که عبارتند از سه حوزه رانش مبدا، کششی مقصد و عوامل حفاظت کننده در برابر مهاجرت است. که هر عامل به طور جداگانه شامل شاخص ها و معرف های ویژه است. رانش مبدا از جمله، اشکال در سیستم نظام آموزشی، عدم توجه به نوآوری و کارآفرینی دستمزد پایین، بیکاری، عدم تکریم منزلت اجتماعی افراد تحصیل کرده در مقایسه با دیگر اقشار مردم است.

کششی مقصد، عبارتند از رفاه و کیفیت بالای آموزشی و تسهیل در ارتقاء سطح علمی و عوامل باز داری از مهاجرت که مانع از فرار مغزها است بیشتر علائق و دل بستگی های فرد در کشور مبدا می باشد به عبارتی عوامل که جذابیت و ماندگاری در مبدا را حفاظت می کند و به عنوان یک عامل حفاظت کننده مانع از مهاجرت نخبگان بوده است. این عوامل عبارتند از عوامل حفاظت کننده با دو مولفه ای گرایش مذهبی و تعلق به وطن است گرایش مذهبی باورها و تفاوت های فرهنگی که سازگاری در کشوره های مقصد را دشوار می کند و تعلق به وطن که دل بستگی و تعلق به خانواده، دوستان و تاب آوری فرد در برابر دوری از آب و خاک است. به عبارتی مساله اصلی این پژوهش بررسی رابطه سه عامل کششی، رانشی و محافظت کننده با مهاجرت نخبگان بوده است و با یک مدل سه عاملی سعی در تبیین تمایل به مهاجرت در مهاجران بلقوه را دارد.

پژوهش های پیشین

جواد زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل اجتماعی تاثیر گذار بر پدیده مهاجرت نخبگان به بررسی عوامل اجتماعی بر مبنای سه متغیر اصلی سبک زندگی، طبقه اجتماعی و ساخت اجتماعی پدیده مهاجرت نخبگان را مورد تحلیل قرار می دهد. جامعه آماری به دو دسته تقسیم شده است. دسته اول از میان

دانشجویان فوق لیسانس و دکترای رشته‌های فنی که برای ادامه تحصیل و کار به کشور امریکا (دانشگاه مینسوتا) مهاجرت نموده و دسته دوم از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، امیر کبیر و صنعتی شریف انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین طبقه اجتماعی و مهاجرت رابطه معناداری وجود ندارد، رابطه بین سبک زندگی ایرانی و مهاجرت معکوس بوده و بین ساخت اجتماعی ایران و مهاجرت نخبگان رابطه مستقیمی وجود دارد.

ابراهیمی (۱۳۸۱) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر تمایل دانشجویان رشته‌های برق و کامپیوتر به مهاجرت» یافته‌ها نشان می‌دهد که از نظر دانشجویان بطور کلی عوامل اقتصادی نسبت به عوامل علمی - آموزشی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی در این زمینه از اولویت بیشتری برخوردارند. هرچند در این پژوهش شکاف عمیقی بین پارامترهای اقتصادی در ایران و کشورهای توسعه یافته دیده می‌شود دانشجویان با افزایش تحصیلات خود، وضعیت اقتصادی بهتری را در خارج از کشور برای خود متصورند اما نکته جالب این است که بخش اندکی از دانشجویان مایلند در خارج از کشور اقامت دائم نمایند.

محسنی تبریزی، عدل (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل روان شناختی اجتماعی مؤثر بر تمایل اعضا هیات علمی دانشگاه‌های شهر تهران به مهاجرت به خارج» که بر یک نمونه ۱۲۰ نفری انجام داد دریافت که تمایل به مهاجرت به طور معکوس با رضایت شغلی، احساس امنیت شغلی، احساس رضایت از زندگی، درجه مشارکت سیاسی - اجتماعی، سال‌های اشتغال در دانشگاه و عوامل مداخله‌گر رابطه دارد. همچنین تمایل به مهاجرت به طور مستقیم با

وضعیت اجتماعی - اقتصادی، عوامل دافعه و عوامل جاذبه همبسته است. نتایج حاصله از کاربرد رگرسیون چند گانه و تحلیل مسیر نشان می دهد که متغیرهای رضایت شغلی، مشارکت اجتماعی - سیاسی، عوامل جاذبه، سال های اشتغال در دانشگاه و عوامل مداخله گر به عنوان تعیین کننده ترین عوامل تاثیر گذار بر انگیزش به مهاجرت اعضا هیات علمی مطرح اند. این متغیر ها حدود ۴۵ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند.

فلاحی و منوریان (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مهاجرت نخبگان (سرمایه های انسانی) و ارایه راهبردهای مناسب برای پیشگیری از این پدیده» داده های به دست آمده از هر دو گروه، طبقه بندی و با یکدیگر مقایسه شده اند و در نتیجه مشخص شده است عوامل اصلی. ۱- علمی، آموزشی و پژوهشی ۲- اقتصادی ۳- فرهنگی، اجتماعی ۴- سیاسی - مدیریتی در امر مهاجرت نخبگان در دو جامعه مورد مطالعه، دخیل بوده اند. نتیجه پژوهش نشان می دهد عوامل سیاسی - مدیریتی، بیش از عوامل دیگر در گریز نخبگان در جامعه مورد بررسی نقش داشته اند.

جواهری و سراج زاده (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «جلای وطن: بررسی عوامل موثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور» چنین بیان می دارند که نوشتار حاضر درصدد است برخی عوامل موثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور را تبیین نماید. به این منظور بخشی از اطلاعات طرح «سنجش گرایش ها، رفتار و آگاهی دانشجویان دانشگاه های دولتی» که در سال ۱۳۸۰ با یک نمونه ۱۵۲۲ نفری از دانشگاه های ایران به انجام رسیده، گزینش شده و با استفاده از روش تحلیل ثانویه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این

مطالعه نشان دهنده آن است که ۵۹ درصد از دانشجویان در حد متوسط و ۱۷ درصد در حد زیاد گرایش به مهاجرت به خارج از کشور دارند و فقط ۲۳ درصد از آن‌ها در اندیشه مهاجرت نیستند. نقش دو متغیر «پایبندی به جامعه ملی» و «دینداری» به عنوان عوامل بازدارنده و «نگرش انتقادی نسبت به شرایط کنونی و آتی جامعه» به عنوان عوامل ترغیب کننده گرایش به مهاجرت، از نظر آماری مورد تایید قرار گرفت. به طور کلی گرایش به مهاجرت در مردان بیش از زنان و در پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا بیش از پایگاه پایین است. به منظور شناسایی نقش هم زمان کلیه متغیرهای تاثیر گذار از رگرسیون لجستیک اسمی چندگانه استفاده شده است.

رجبی (۱۳۷۹) در تحقیقی با نام «بررسی میزان و عوامل گرایش به مهاجرت از کشور در بین دانشجویان فنی دانشگاه تهران» ۲۶۰ نفر از دانشجویان به عنوان نمونه انتخاب نموده پرسشنامه تکمیل نمودند نتایج این مطالعه نشان می دهد که میزان گرایش به مهاجرت در جامعه مورد نظر زیاد بوده و نیز نارسایی اقتصادی، عدم ثبات سیاسی و امید به زندگی بهتر در کشورهای پیشرفته از مهمترین عوامل ترغیب دانشگاهیان به مهاجرت است.

شعبانلو (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور» چنین بیان می دارد که ۳۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته های این پیمایش حاکی از آن است که ارزیابی افراد از شرایط سیاسی و فرهنگی داخل و خارج از کشور ارتباط زیادی با گرایش آنان به مهاجرت دارد.

قنبر(۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی علل مهاجرت متخصصان ایرانی به آمریکا» انگیزه ها و دلایل مهاجرت ایرانیان متخصص به ایالات متحده آمریکا را مورد مطالعه قرار داده است. یافته های این پژوهش مشخص می کند که عواملی مانند کمبود امکانات تحصیلی، مشکلات مربوط به اشتغال، ناپایداری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در این باره از اهمیت زیادی برخوردار است.

بنگ و میترا(۲۰۱۰) در سال های ۱۹۸۸-۱۹۹۸ تأثیر نهادهای اصلی کشور مبدا را در میزان مهاجرت نیروی کار ماهر به ایالات متحده بررسی می کردند. به طور خاص، فرضیه را بررسی می کنیم که مؤسسات چند بعدی هستند و ابعاد مختلف تاثیرات متضادی بر مهاجرت نیروی کار ماهر تاثیر دارد. با استفاده از تجزیه و تحلیل عامل اکتشافی در پانزده متغیر نهادی، ابعاد زیر را از ویژگی های نهادی شناسایی می کنند: اعتبار، شفافیت، دموکراسی و امنیت جامعه مدنی. یافته ها نشان داده است که اعتبار و شفافیت، میزان فرار نخبگان را افزایش می دهد، امنیت در جامعه مهاجرت نخبگان را کاهش می دهد، و دموکراسی تاثیر قابل توجهی بر آن ندارد.

تانزل و گانگور(۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان «فرار مغزها از ترکیه» چنین بیان می داد که دانشجویان ترک محصل در ایالات متحده آمریکا، انگلستان و آمریکا که در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری و در رشته های مهندسی و فنی شاغل به تحصیل بوده اند مورد مطالعه قرار گرفتند. بر اساس نتایج دانشجویانی که به کشور بازمی گردند عواملی مانند بی ثباتی سیاسی، دستمزد پایین و نبود فرصتهای اشتغال در کشور خود را به عنوان علل ماندن ذکر کرده اند.

ال گرویزاد و لول (۲۰۰۴) در مقاله ای با عنوان «مهاجرت مغزها، حمایت و رشد» با استفاده از مجموعه آمار و اطلاعات ۱۱۲ کشور در حال توسعه صادرکننده نیروی کار ماهر، طی دهه ۱۹۹۰ اثر معکوس مهاجرت مغزها بر رشد اقتصادی را آزمون کرده اند و بر اساس تخمینی به روش حداقل مربعات معمولی به این نتیجه رسیدند که افزایش ده درصدی در مهاجرت سرمایه انسانی، نرخ رشد سرانه را حدود ۰/۸ درصد در هر سال کاهش می دهد. همچنین به این نتیجه رسیدند که سیاست حمایت، برای کاهش اثر رشد میان مدت مهاجرت سرمایه انسانی در کشورهای مبدأ مؤثر است.

بین (۲۰۰۲) در مقاله ای با عنوان « فرار مغزها و رشد کشورهای کمتر توسعه یافته: منافع و مضاره با تخمین تجربی از اثرات ناشی از فرار مغزها برای کشورهای منبع مهاجر به وسیله نمونه ای از ۵۰ کشور در حال توسعه به این نتیجه رسید که منافع ناشی از مهاجرت مغزها از مضار آن کمتر است. منتفع شدگان، کشورهایی هستند که تخمین فوق برای آنها، افزایش سرمایه انسانی را نشان می دهد. بر اساس مطالعات تجربی روی نمونه فوق، نظریه سودمندی فرار مغزها در سطح کل اثبات شد. نکته دیگری که در این مقاله نتیجه گیری شده است این است که فرار مغزها اثر منفی روی نرخ رشد کشورهایی دارد که نرخ مهاجرت افراد دارای تحصیلات عالی اش بالای ۲۰ درصد است یا سهم افراد دارای تحصیلات بالا در جمعیت کل بالای ۵۰ درصد است. بر اساس نمونه فوق بیشتر کشورها در شمار کشورهایی هستند که فرار مغزها بر رشد اقتصادی شان تأثیر منفی داشته است.

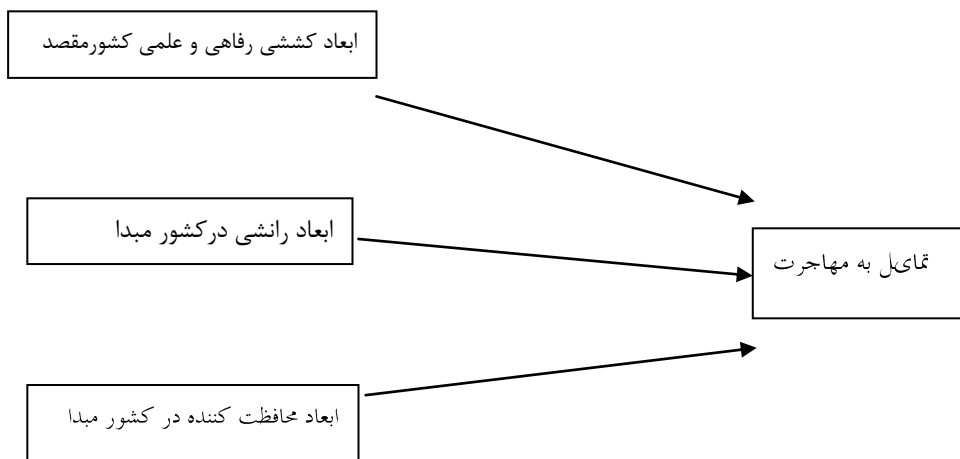
بین و دیگران (۲۰۰۱) با ارائه مقاله ای با عنوان « فرار مغزها، تئوری و شواهد، بر آثار مهاجرت روی تشکیل سرمایه انسانی و رشد اقتصادی کشور مبدأ تمرکز کرده اند. این آثار عبارتند از اثر پیش بینی شده که همان اثر مغز است که در برگیرنده این مفهوم است که انتظارات مهاجرت، سرمایه گذاری در آموزش را به دلیل بازدهی های بالاتر خارجی افزایش می دهد و اثر پیش بینی شده که همان یا اثر فرار می باشد که ناشی از جریان مهاجرت واقعی است. بر این اساس فرضیه مفید بودن فرار مغزها زمانی تحقق می یابد که اثر پیش بینی نشده مسلط شود. نتایج تجربی این مطالعه حاکی از آن است که چنان سرمایه انسانی داخلی به مقدار کافی فراهم شده باشد، فرار مغزها می تواند برای کشورهای مبدأ مفید باشد.

فرضیات تحقیق

- فرضیه ۱: بین ابعاد کشتی رفاه و سطح علمی کشور مقصد با گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۲: بین ابعاد رانش علمی و رفاهی کشور مبدا و گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۳: بین ابعاد محافظت کننده در کشور مبدا و گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۴: ابعاد کشتی رفاه و سطح علمی کشور مقصد بطور معناداری قادر به پیش بینی تمایل به مهاجرت دانشجویان می باشند.
- فرضیه ۵: ابعاد رانشی در کشور مبدا بطور معناداری قادر به پیش بینی تمایل به مهاجرت دانشجویان می باشند.

مدل پژوهش

مدل نظری پژوهش



روش پژوهش

روش پژوهش مورد استفاده در این پژوهش روش ترکیبی استفاده شده ابتدا روش پیمایشی و سپس برای تعمق بیشتر در یافته های پژوهش کمی و نزدیک شدن به پدیده مهاجرت نخبگان در جهان زیست مهاجران بلقوه از مصاحبه نیمه ساختار استفاده شده است. البته با توجه به محدودیت سعی شده در بخش بحث نتیجه گیری از مضمون ها استفاده شود. جامعه آماری دانشجویان کارشناسی ارشد ۲۵-۳۵ دانشگاه شیراز به عنوان مهاجران بلقوه است، که به روش نمونه گیری خوشه ای ۱۲۰ نفر انتخاب شدند. در این روش از دانشکده ها سه دانشکده علوم انسانی، علوم پایه و فنی مهندسی نمونه را بصورت تصادفی انتخاب کرده سپس از بین کلاس های دانشجویان کارشناسی ارشد به طور تصادفی نمونه مورد نظر انتخاب شده است. برای اندازه گیری و تجزیه و تحلیل

داده ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است که در سطح آمار توصیفی (محاسبه ی فراوانی ، درصد) و در سطح آمار استنباطی از آزمونهای ضریب همبستگی و رگرسیون استفاده شده است.

ابزار گردآوری داده ها

در این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته جهت گردآوری اطلاعات کمک گرفته شده است ، این پرسشنامه شامل 77 گویه برای سنجش گرایش مذهبی (۶ گویه) و تعلق به وطن (۱۴ گویه) و برای اندازه گیری مهاجرت ۵۷ گویه می باشد که به صورت بسته پاسخ بوده است ، تمامی مقیاسهای این پرسشنامه از نوع لیکرت با طیف پنج قسمتی (کاملاً مخالفم ، مخالفم ، نظری ندارم ، موافقم ، کاملاً موافقم) نمره گذاری شده است. در مقیاس ساخته شده برای مهاجرت پس از تحلیل عاملی ۲۹ پرسش که بار عاملی کمتر ۰/۵ داشته حذف شده و در نهایت ۲۸ گویه در هفت عامل به دست آمده گرایش به مهاجرت، عوامل کششی کشور مقصد (فرصت اشتغال، انگیزه پیشرفت، رفاه کشور مقصد، فرصت های علمی کشور مقصد) و عوامل رانشی کشور مبدأ (بیکاری و دستمزد پایین، تبعیض) است و برای دستیابی به روایی سازه ای مقیاس مهاجرت دانشجویان تحلیل عاملی اکتشافی انجام شده است از نتایج هفت عامل بدست آمده دو آزمون بارتلت^۱ و KMO^۲ استفاده گردید که مقدار KMO برای ماتریس همبستگی پرسش ها ۰/۷۶۲ و مقدار آزمون بارتلت درخصوص کفایت محتوای پرسشنامه ۳۳۹۱، در

^۱ Bartlett test of sphericity

^۲ kaiser-meyer olkin

سطح $P < 0.0001$ معنادار بوده و هفت عامل ۳/۵۸ درصد واریانس مهاجرت دانشجویان را تبیین می کند.

پرسشنامه دارای اعتبار صوری و پایایی آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۵ به دست آمده است .

مقیاس	فرصت اشتغال	انگیزه پیشرفت	رفاه منزلت اجتماعی کشور مقصد	فرصت های علمی کشور مقصد	گرایش به مهاجرت
تعداد گویه ها	4	3	۴	۵	4
آلفای کرونباخ	۰/۶۲	۰/۷۸۶	۰/۸۷	۰/۹۱	۰/۸۵
مقیاس	بیکاری تحصیل کرده ها و دستمزد پایین	تبعیض	گرایش به مذهب	تعلق به وطن	
تعداد گویه ها	4	4	5	16	
آلفای کرونباخ	۰/۶۱	۰/۸۶	۰/۴۸	۰/۵۵	

یافته های پژوهش

فرضیه ۱: بین عامل کششی رفاه و سطح علمی کشور مقصد با گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و نتایج در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۱: عامل کششی رفاه کشور مقصد و سطح علمی با تمایل به مهاجرت از کشور

فرصت های علمی کشور مقصد	رفاه و منزلت کشور مقصد	انگیزه پیشرفت	فرصت اشتغال	
0/۵۵۹**	0/۴۰۴**	0/۶۹۸**	0/۳۱۸**	تمایل به مهاجرت
*: معنی داری در سطح ۰/۰۵ **: معنی داری در سطح ۰/۰۱				

بر اساس جدول ۱ که به بررسی ارتباط بین فرصت اشتغال ($r = 0/318$, $p < 0/01$)، انگیزه پیشرفت ($r = 0/698$, $p < 0/01$)، رفاه و منزلت کشور مقصد ($r = 0/404$) و فرصت های علمی کشور مقصد ($r = 0/559$, $p < 0/01$) با گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور است و با توجه به میزان p که برابر ۰/۰۱ می باشد فرضیه فوق مورد تأیید می باشد و ابعاد کشش کشور مقصد با میل به مهاجرت دانشجویان رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($P < 0/01$).

فرضیه ۲: بین ابعاد رانش در کشور مبدا با گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۲: ابعاد رانش در کشور مبدا با تمایل به مهاجرت از کشور دانشجویان

تبعیض و بی عدالتی ادراک شده	بیکاری تحصیلکرده ها و دستمزد پایین	
0/۴۱۹**	0/۴۴۷**	تمایل به مهاجرت
*: معنی داری در سطح ۰/۰۵ **: معنی داری در سطح ۰/۰۱		

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و نتایج در جدول ۲ قابل مشاهده است.

بر اساس جدول ۲ که به بررسی ارتباط بین ابعاد رانشی کشور مبدا که عبارتند از: بیکاری تحصیلکرده ها و دستمزد پایین ($r = 0/447$, $p < 0/01$)، تبعیض و بی عدالتی ادراک شده ($r = 0/419$, $p < 0/01$)، با گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور است و با توجه به میزان p که برابر ۰/۰۱ می باشد فرضیه فوق مورد تأیید می باشد و ابعاد رانش کشور مبدا با میل به مهاجرت دانشجویان رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($P < 0/01$).

فرضیه ۳: ابعاد حفاظت کننده شخصی و گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود دارد.
برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و نتایج در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۳: عامل محافظت کننده شخصی با تمایل به مهاجرت به

مهاجرت از کشور

تعلق به وطن	گرایش به مذهب	
0/090	0/022	تمایل به مهاجرت
*: معنی داری در سطح ۰/۰۵ **: معنی داری در سطح ۰/۰۱		

بر اساس جدول ۳ که به بررسی ارتباط بین ابعاد حفاظت کننده شخصی که عبارتند از: گرایش به مذهب ($r= ۰/۰۲۲$ ، $p>۰/۰۱$)، تعلق به وطن ($r= ۰/۴۱۹$)، با گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور است و با توجه به ($p>۰/۰۱$)،

میزان p که بزرگتر از $0/05$ می باشد فرضیه فوق مورد تأیید نمی باشد و

بین ابعاد حفاظت کننده با میل به مهاجرت دانشجویان رابطه وجود ندارد $P >$

.(0/01)

فرضیه ۴: ابعاد کششی رفاه و سطح علمی کشور مقصد بطور معناداری قادر

به پیش‌بینی تمایل به مهاجرت دانشجویان می‌باشند.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون تمایل به مهاجرت بر اساس ابعاد کششی رفاه و سطح علمی کشور مقصد

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	بتا	t	p	R	R ²	F	df	p
تمایل به مهاجرت	انگیزه پیشرفت	۰/۶۹۹	۱۰/۶۲۳	۰/۰۰۰	۰/۶۹۱	۰/۴۸۹	۱۱۲/۸۵۳	۱۱۸,۱	۰/۰۰۰

گام استفاده شد و نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

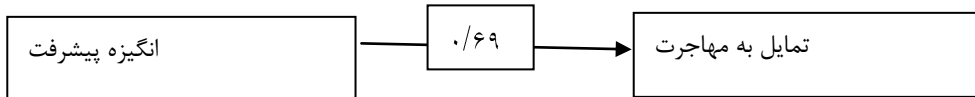
از نتایج آزمون تحلیل واریانس ($F=112/853$, $p<0/05$) می‌توان استنباط کرد که

بین متغیر پیش‌بین (انگیزه پیشرفت) و متغیر ملاک (تمایل به مهاجرت) رابطه

خطی معنی‌دار در سطح $0/05$ وجود دارد و انگیزه پیشرفت به طور معنی‌دار قادر

به پیش‌بینی تمایل به مهاجرت است. مجذور ضریب همبستگی چندگانه (ضریب تعیین) برابر با $0/48$ است، این بدان معنی است که انگیزه پیشرفت، رویهم ۴۸ درصد از واریانس متغیر تمایل به مهاجرت را تبیین می‌کنند. همچنین از آن جایی که میزان بتا برابر با $0/69$ (بتا) بوده است، می‌توان استنباط کرد، انگیزه پیشرفت به صورت مستقیم قادر به پیش‌بینی تمایل به مهاجرت می‌باشد.

مدل رگرسیونی ابعاد کششی با تمایل به مهاجرت



فرضیه ۵ : ابعاد رانشی در کشور مبدا بطور معناداری قادر به پیش‌بینی تمایل به مهاجرت دانشجویان می‌باشند.

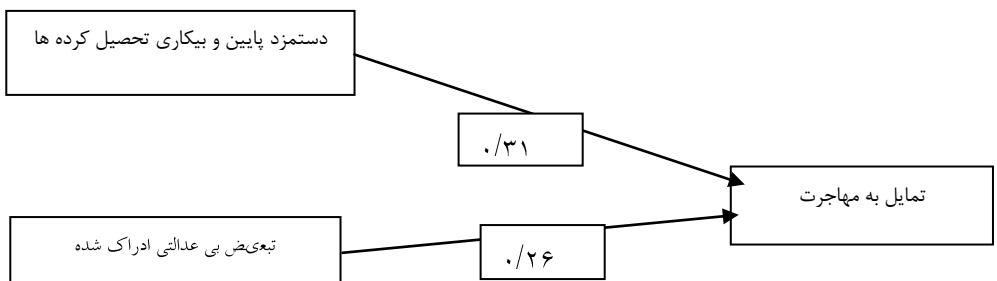
برای آزمون این فرضیه از تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شد و نتایج در جدول ۳

جدول ۵- نتایج تحلیل رگرسیون ابعاد رانشی با تمایل به مهاجرت

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	بتا	t	p	R	R2	F	df	p	
مرحله اول	تمایل به مهاجرت	دستمزد پایین و بیکاری تحصیل کرده ها	0/447	5/442	0/001	/447	/199	۲۹/۳۹	۱۱۸,۱	0/000
مرحله دوم	تمایل به مهاجرت	بیکاری تحصیل کرده ها	۰/316	3/425	/001	/501	.251	۱۹/۵۹	1,118	0/000
		تبعیض و بی عدالتی ادراک شده	262۰/۱	2/837	/005					

بر اساس مرحله دوم تحلیل رگرسیون از نتایج آزمون تحلیل واریانس ($F=112/853$ ، $p<0/05$) می‌توان استنباط کرد که بین متغیر پیش‌بین (بیکاری تحصیل کرده و پایین بودن دستمزد؛ تبعیض و بی‌عدالتی ادراک شده) و متغیر ملاک (تمایل به مهاجرت) رابطه خطی معنی‌دار در سطح $0/05$ وجود دارد و بیکاری تحصیل کرده و پایین بودن دستمزد؛ تبعیض و بی‌عدالتی ادراک شده به طور معنی‌دار قادر به پیش‌بینی تمایل به مهاجرت است. مجذور ضریب همبستگی چندگانه (ضریب تعیین) برابر با $0/25$ است، این بدان معنی است که این دو متغیر، رویهم ۵۰ درصد از واریانس متغیر تمایل به مهاجرت را تبیین می‌کنند. همچنین از آن جایی که میزان بتا برابر با $0/26$ (بتا= $0/26$) بوده است، می‌توان استنباط کرد، بیکاری تحصیل کرده و پایین بودن دستمزد؛ تبعیض و بی‌عدالتی ادراک شده به صورت مستقیم قادر به پیش‌بینی تمایل به مهاجرت می‌باشد.

مدل رگرسیونی ابعاد رانشی با تمایل به مهاجرت



بحث و نتیجه گیری

سرمایه انسانی از اصلی ترین عوامل رشد و توسعه کشورها است و کمبود این سرمایه در کشورهای در حال توسعه فرایند رشد و توسعه را به تاخیر می‌اندازد. متأسفانه جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که به طور پیوسته با پدیده فرار مغزها روبرو بوده است. طبق آمار ارائه شده از سوی سازمان ملل، در بین ۷۲ کشور در حال توسعه در جهان، ایران رتبه سوم فرار مغزها را با توجه به جمعیت خود دارا است (جوادی زاده، ۱۳۹۴). خروج متخصصان از یک کشور در طولانی مدت اثرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فیزیولوژیکی بسیاری بر جامعه خواهد گذاشت بنابراین طرح مساله و سعی در یافتن پاسخ های مناسب به این مساله از اهداف اصلی این مقاله بوده. این مقاله در پی یافتن علل و انگیزه های اصلی مهاجرت تحصیلکرده ها در چارچوب نظری، نظریه اورت لی بندیکت و اوکپیر (۲۰۱۲) را به عنوان نظریه ای که جنبه های بیشتری از علل مهاجرت را در خود جای می دهد سعی در تبیین مهاجرت متخصصین داشت مطابق یافته های پژوهش انگیزه پیشرفت به عنوان یک عامل کششی در کشورهای مقصد جاذبه های فوق العاده ای را برای نمونه مورد مطالعه ایجاد کرده به طوری که مهاجران بالقوه معتقدند با خروج از کشور آینده بهتری در انتظار آنها بود و خروج از ایران را مقارن با ترقی و پیشرفت خود می دانند. در مقابل از عوامل دافع کشور ایران می توان پایین بود دستمزد و بیکاری تحصیل کرده ها و تبعیض و بی عدالتی ادراک شده در جامعه نام برد که به عنوان دو پیش بینی کننده مهم در گرایش به مهاجرت در دانشجویان بسیار قابل تامل

است. این یافته‌ها در برخی ابعاد با پژوهش‌های جواد زاده (۱۳۹۴)؛ محسنی تبریزی، عدل (۱۳۸۶)؛ فلاحی و منوریان (۱۳۸۷)؛ رجیبی (۱۳۷۹)؛ شعبانلو (۱۳۸۰) همسو است.

البته برای تعمق بیشتر در یافته‌ها و دستیابی به یک ارتباط منطقی بین عوامل کوشی و رانشی سعی کردیم در پایان دوباره به سراغ میدان مطالعه رفته و از مصاحبه با چند دانش‌آموخته ممتاز بهره‌مند شویم. واقعیت امر این بود که مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند: "برای بالا رفتن تاب‌آوری تحصیلی، روحیه علم‌آموزی و تحمل سختی‌های پیش‌رو در مراحل مختلف تحصیل، همواره والدین و معلمان تاکید می‌کردند که تحصیلات ضامن آینده بهتر است و تخصص و تحصیلات یک معیار مهم در بدست آوردن فرصت‌های شغلی مناسب و منزلت اجتماعی بالا است" به علاوه والدین در تمامی دوران تحصیل از ابتدایی تا دبیرستان و دانشگاه برای ایجاد انگیزه و تقویت روحیه عمدتاً از تکنیک مقایسه و رقابت استفاده کردند والدین، مدرسه و دانشگاه بر تحصیل به عنوان یک عامل کلیدی در پیشرفت دانش‌آموزان تاکید می‌کنند به طوریکه عمده‌ترین تصویر بوجود آمده در ذهن دانشجویان پس از فراغت از تحصیل این بود که با دستیابی به مدرک می‌توانند در بازار کار و اجتماع از شغل، درآمد و منزلت اجتماعی مناسب برخوردار باشند اما در تجربه واقعی خود در جامعه با یک نظام گزینش نابرابر و فرصت‌های شغلی محدود در جامعه روبه‌رو می‌شوند با توجه به اینکه متأسفانه فرصت‌های شغلی موجود در ایران بسیار محدود است. و در نتیجه پاسخگوی حجم وسیع فارغ‌التحصیلان نبوده و همین امر دردانش‌آموخته‌ها دلسردی ایجاد می‌کند سپس هر بار با مراجعه به مراکز

کار یابی، سازمان ها و بخش های مختلف با برخوردهای نامناسب، این دلسردی و ناامیدی در آنها تشدید می شود و به دنبال آن بهترین گزینه، تصمیم به مهاجرت است. یافته های پژوهش نشان می دهد منزلت اجتماعی و رفاه اجتماعی در کشور مقصد یک عامل کشتی است به طوریکه بیشتر تحصیل کرده ها منزلت مبهم و مفقود خود را در کشورهای مقصد می جویند و معتقدند اشتغال، آموزش و رفاه مناسب در کشورهای مقصد در انتظار آنها است. یکی از عوامل کشتی در کشورهای مقصد فرصت های علمی و کیفیت بالای نظام های آموزشی در کشورهای مقصد است. با استنباط مصاحبه ها فاصله قدرت در فرهنگ سازمانی آموزش عالی کشور، روابط بین استاد و دانشجو را مخدوش می کند و نگاه از بالا به قشر جوان تحصیلکرده و عدم رعایت شان آنها انگیزه های ادامه تحصیل در داخل کشور را کاهش می دهد به علاوه عدم تعهد در به روز کردن دانش علمی با توجه به نیازهای جامعه نیز به نوبه خود فاصله بین دانشگاه، صنعت و جامعه را روز به روز عمیق تر کرده است یافته ها نشان می دهد اشتغال در کشورهای مقصد و بیکاری و دستمزد پایین در کشور مبدا یکی از عوامل مرتبط با گرایش به مهاجرت است در این خصوص جهت جذب و نگهداری نخبگان توجه به نقش برنامه های مدون در خصوص انتقال مهارتهای نوآوری و کارآفرینی بسیار اهمیت دارد.

مطابق نظریه های نوسازی روانی مک کلند انگیزه پیشرفت از گزینه های مهم و کلیدی در خیزش کشور های توسعه نیافته به سمت توسعه اقتصادی است اما متاسفانه جامعه امروز ما ظرفیت لازم برای جذب و بکارگیری این انگیزه را

نداشته در نتیجه این سرمایه بزرگ را به رایگان در اختیار کشورهای مقصد قرار داده است و خود را از این پتانسیل محروم می کند.

نتایج نشان می دهد عوامل حفاظت کننده با مولفه ای گرایش مذهبی و تعلق به وطن با تمایل به مهاجرت ارتباط نداشته و این عوامل نتوانسته اند تحصیلکرده های ایرانی را در برابر تمایل به مهاجرت محافظت و واکنش کنند یا به عبارتی انگیزه پیشرفت، تمییز و بی عدالتی، اشتغال و درآمد در اولویت بوده و پیش بینی کننده قوی تری است.

پیشنهادات

- اقتصاد نوین مبتنی بر دانش است و توسعه بدون توجه به دانش آموختگان راه به جای نمی برد.
- در شرایط کنونی ، دنیای آینده بسیار پیچیده است و دانش مبنای قدرت در جامعه است بنا براین با گسترش واحد های تحقیق و توسعه می توان در یک حلقه اتصال بین دانشگاه ، صنعت و جامعه را ایجاد کرد است و از ظرفیت های موجود در دانشگاه استفاده کرد.
- با مهیا کردن بستری مناسب در قالب قطبهای علمی به حفظ و ارتقای منزلت نخبگان پردازیم.
- ایجاد قطب های علمی و پژوهشی در شاخه های تحصیلی گوناگون و جذب فارغ التحصیلان سبب ترمیم و باسازی فضای اعتماد بین نخبگان شویم.
- سامان دادن به بودجه های پژوهشی، تعیین متولی و سرعت بخشیدن به تصویب طرح های پژوهشی از زمینه های مناسب برای ایجاد اشتغال برای فارغ التحصیلان ارشد و دکتری.

- تقویت جاذبه های اجتماعی و فرصت های شغلی در کشور یکی از راههای موثر در کاهش دافعه های موجود است.
- ایجاد اشتغال و توسعه کارآفرینی و انتقال مهارت های نوآوری در راستای ایجاد انگیزه برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی.

منابع

- اسماعیلی، م. ۱۳۸۲. «پیرامون مهاجرت نخبگان». مقالات راهبرد. سال دوم، شماره ۵.
- ابراهیمی، ی. ۱۳۸۱. «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر تمایل دانشجویان رشته برق و کامپیوتر به مهاجرت». فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آ»وزش عالی. شماره ۲۳ و ۲۴.
- جوادزاده، پ. ۱۳۹۴. «علل اجتماعی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه های آمریکا». مدیریت فرهنگی، دوره ۹، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۴، صفحه ۹۵-۱۱۱.
- خضری، م. ۱۳۸۰. دلایل و پیامدهای اقتصادی فرار مغزها. فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۱۴، صص ۵۶۹-۵۴۷.
- رجیبی، م. ۱۳۷۹. «بررسی میزان و عوامل گرایش به مهاجرت از کشور، مطالعه نظری همراه با تحقیقی از بین دانشجویان فنی دانشگاه تهران». پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- رفیع پور، ف. ۱۳۷۷. آناتومی جامعه: مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربرد. تهران: انتشارات کاوه.

- شاه آبادی، ا. و جامه بزرگی آ. ۱۳۹۲ تاثیر مهاجرت نخبگان بر عرضه نوآوری، دوفصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲ پاییز و زمستان، صفحه ۱۴۹-۱۶۱.
- شعبانلو، ر. ۱۳۸۰. « بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور». پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- محسنی تبریزی، م. عدل، ر. ۱۳۷۶. « بررسی عوامل روان شناختی اجتماعی مؤثر بر تمایل اعضای هیأت علمی دانشگاه های تهران به مهاجرت به خارج». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- فلاحی، ک. منوریان، ع. ۱۳۸۷. «بررسی عوامل مهاجرت نخبگان(سرمایه های انسانی) و ارائه راهبردهای مناسب برای پیشگیری از این پدیده». مجله دانش و توسعه(علمی، پژوهشی). سال پانزدهم، شماره ۲۴.
- قنبر، ا. ۱۳۸۴. «بررسی علل مهاجرت متخصصان ایرانی به آمریکا». تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- منوریان، ع.؛ پیوسته، ا.؛ واعظی، س.ک.؛ خوش چهره، م.(۱۳۹۶). مدل به کارگیری نخبگان علمی در محیط های دانشگاهی کشور (مطالعه موردی: اساتید دانشگاه تهران)، مدیریت دولتی، دوره ۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، صفحه ۶۳-۴۸۸.

-Allan , w.& balaz , V. 2005. "what human capital , which migration? returned skilled migration to slovakia the international migration". vol . 39, p . 439.

-Andrew Mountford and Hillel Rapoport, 2007 The Brain Drain and the World Distribution of Income and Population, Centre for Research and Analysis of Migration, CReAM Discussion Paper No 04/07..

- Baron, A. (2011). Measuring Human Capital. *Strategic HR Review*, 10(2), 30-35.
- Bang, J. T. & Mitra, M. (2011). Brain Drain and Institutions of Governance: Educational Attainment of Immigrants to the US 1988-1998. *Economic Systems*, 35(3), 335-354.
- Benedict, O. H. & Ukpere, W. I. (2012). Brain Drain and Africal Development: Any Possible Gain from the Drain? *African Journal of Business Management*, 6(7), 2421-2428.
- Beine , M . Docquier, F& Rapoport , H.2002. Brain Drain and LDC's Growth : winners and losers , IZA Discussion paper. No 819.
- Beine , M . Docquier, F & Rapoport , H. 2001. brain drain and Economic Growth: theory and evidence ." *Journal of development Economics* . Vol .64, pp . 276-286 .
- Frédéric Docquier & Hillel Rapoport, 2011. Globalization, Brain Drain and Development, Discussion Paper No. 5590 March 2011
- Groizard , j . & liull , j . 2004 . Brain Drain ; Aid and Growth," university of the Balearic Island. DEA working paper.
- Kotha , u.2002.migration and chronic poverty, institute for development policy and management , working paper . p . 16,18 .

